



راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

فصلنامه علمی - ترویجی مشکوة برای نشر معارف قرآن و حدیث و فرهنگ اسلامی از مقالات استادان و محققان حوزه و دانشگاه با رعایت نکات ذیل استقبال می‌کند.

ویژگی‌های محتوایی

- ✓ نوآوری در مقاله (برخورداری از نظریه یا فرضیه‌ای جدید، مسئله‌ای تازه، روش و ابزاری نو، یا رهیافت و قرائتی جدید).
- ✓ ثمربخشی و کاربردی بودن مقاله (مسئله محوری پژوهش و طرح بایسته‌ها و اولویت‌های تحقیق و پرهیز از کارهای موازی).
- ✓ کارایی مقاله (برخورداری از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی و انسجام محتوایی، با قلمی روان و گویا و اجتناب از کلی‌گویی و نشر خطابی).
- ✓ بهره‌مندی از روش‌ها، ابزارها و روی‌آوردهای متنوع در تحقیق، مانند مطالعات تاریخی، تطبیقی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی به‌ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای با توجه به چند بُعدی بودن مباحث دینی.
- ✓ برخورداری مقاله از اطلاعات کافی و کامل، صادق، دقیق، واضح و متمایز، روزآمد، مستند و مستدل و جملگی مرتبط با مسئله تحقیق.
- ✓ برخورداری مقاله از هدفی مشخص، مفید، قابل‌سنجش و دسترسی، متناسب با توان محقق و قابل اجرا.

نحوه تنظیم مقاله

- شایسته است مقاله دارای عنوان، مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژگان، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع با ویژگی‌های ذیل باشد:
- ✓ عنوان: عنوان مقاله کوتاه، گویا، جامع و مانع، جذاب و ناظر به محتوای مقاله و به دور از القایگری باشد.
- ✓ مشخصات نویسنده: شامل نام، نام خانوادگی، رتبه علمی، مدرک تحصیلی، رشته، گروه علمی، مؤسسه وابسته و نشانی الکترونیکی باشد.
- ✓ چکیده: دربردارنده مهم‌ترین مطالب مقاله به اختصار می‌باشد. بایسته است حداکثر ۱۵۰ کلمه و شامل بیان مسئله، هدف، ضرورت و قلمرو تحقیق، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم آن باشد. معرفی موضوع و طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها در چکیده، از اشتباهات رایج است.
- ✓ کلیدواژگان: بایسته است، حداکثر هفت واژه کلیدی با ترکیبی از واژگان عام و خاص، متناسب با موضوع اصلی مقاله انتخاب شود تا بازیابی مقاله آسان‌تر باشد.

- ✓ **مقدمه:** در مقدمه باید مسئله تحقیق، هدف، ضرورت، پیشینه و روش پژوهش با تفصیل بیشتر بیان شود تا ذهن خواننده را آماده و علاقه مند به مطالعه کند.
- ✓ **بدنه اصلی:** در بدنه اصلی مقاله بایسته است اهمیت و ابعاد مسئله و نیز آراء درباره آن به خوبی بیان و تجزیه و تحلیل شود، و نویسنده پس از ارزیابی دیگر نظریات، با تبیین و توجیه کافی، دیدگاهش را ارائه نماید.
- ✓ **نتیجه:** شامل یافته های تحقیق، آثار و کاربردهای آن، توصیه به موضوع های مرتبط با پژوهش برای کارهای بعدی، یادکرد سؤالات بی پاسخ و نکات مبهم قابل پژوهش است. از ذکر ادله، مستندات، مسئله پژوهش و جمع بندی مباحث مقدماتی در نتیجه، خودداری شود.
- ✓ **CD حاوی مقاله** حروفچینی شده در محیط Word با حجم حداکثر ۱۵ صفحه به نشانی دفتر مجله یا فایل آن از طریق پست الکترونیک نشریه ارسال شود.

فهرست منابع در پایان مقاله بر اساس حروف الفبا و ارجاعات در پانویس به ترتیب ذیل تنظیم شود:

منابع

کتاب: نام خانوادگی، نام، نام کتاب، نام مترجم، مصحح یا محقق، ناشر، محل نشر، نوبت چاپ، تاریخ انتشار.
مقاله: نام خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال / دوره، شماره، زمان انتشار.

ارجاعات

کتاب: نام خانوادگی، نام، نام کتاب، جلد، صفحه.
مقاله: نام خانوادگی، نام «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال / دوره، شماره، زمان انتشار، شماره صفحه.

فرایند ارزیابی مقالات

مقالات ارسالی که با توجه به راهنمای نگارش مجله تدوین شده باشند با گذر از مراحل زیر اجازه نشر می یابند:

- ۱- دریافت و اعلام وصول مقاله و ارزیابی اولیه با مقایسه تطبیقی با دیگر مقالات نمایه شده در پایگاه های اطلاع رسانی و تشکیل پرونده علمی.
- ۲- ارسال برای کارشناسان جهت ارزیابی نهایی و اعمال نظرات اصلاحی توسط نویسنده یا دفتر مجله.
- ۳- طرح در هیئت تحریریه، بررسی و تصویب نهایی مقاله و آماده شدن برای چاپ.

- ۴ اصول اندیشه امام خمینی علیه السلام در بیان مقام معظم رهبری
- مبانی و محدودیتهای آزادی اطلاعات و قرآن کریم
- ۷ ○ عیسی زارعی - نیره خداداد شهری
- تقسیم قرآن به هفت حزب
- ۲۶ ○ دکتر محسن رجبی قدسی
- تأثیر خشم و کظم غیظ بر سلامت روان در منابع اسلامی و غربی
- ۴۵ ○ دکتر مریم صف آرا - سمانه سادات سدیدپور
- بررسی کاربرد سیاق در تفسیر الکاشف علامه محمد جواد مغنیه
- ۵۸ ○ دکتر سید عبدالرسول حسینی زاده - محمد کریمی درچه
- واکاوی علل انحراف امت اسلام در خطبه حضرت زهرا علیها السلام
- ۷۲ ○ مهدیه محمد تقی زاده
- راهبردهای امام علی علیه السلام در رویارویی با عصیبت قبیله ای جامعه پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۸۷ ○ دکتر رسول محمد جعفری
- فلکه حضرتی مشهد؛ پیدایش و توسعه
- ۱۰۶ ○ علی اخوان مهدوی
- قتلگاه، غسلگاه، قدمگاه و سجده گاه امام رضا علیه السلام
- ۱۲۶ ○ رضانقدی
- ۱۳۶ چشم انداز بنیاد پژوهشهای اسلامی در سخنان مدیر عامل جدید

Abstracts

- Ahmad Rezwani ۱- ۷

اصول اندیشه امام خمینی علیه السلام در بیان مقام معظم رهبری

اشاره

ارتحال ملکوتی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در چهارده خرداد ۱۳۶۸ ش از حوادث مهم تاریخ معاصر ایران است. در هر سال بدین مناسبت با برگزاری مراسمی در مرقد امام خمینی علیه السلام با آرمان‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تجدید پیمان می‌شود.

مقام معظم رهبری در سالگرد این روز سخنان مهمی ایراد می‌کنند. چهار موضوع «مکتب امام خمینی»، «شخصیت امام»، «وصیت امام» و «جهان اسلام»، محور رهنمودهای رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای مدظله از سال ۱۳۶۸ تاکنون بوده است. در سخنرانی سال جاری با توجه به برخی برداشت‌های ناقص از مبانی و دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام، بحث اصول اندیشه امام و لزوم نگاه منظومه‌ای به شخصیت ایشان از سوی معظم له مطرح شد. ایشان طی بیانات مبسوطی به تبیین هفت اصل از مهم‌ترین اصول اندیشه امام پرداختند که گزیده آن نقل می‌شود.

هفت اصل از مهم‌ترین اصول اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

مسئله تحریف شخصیت امام خطر بزرگی محسوب می‌شود، آن راهی که می‌تواند مانع از این تحریف شود، بازخوانی اصول امام است. امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی، مورد توجه قرار داد، بعضی این جور می‌خواهند امام را بشناسند و بشناسانند و این غلط است. (۹۴/۳/۱۴)

۱- اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی: اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکروشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیل شده در حوزه‌های علمیه استنباط می‌شود و به دست می‌آید.

اسلام آمریکایی دوشاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار و دیگری اسلام متحجر. ۲- اعتماد به وعده‌ی الهی و بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی: اعتماد به قدرت پروردگار موجب می‌شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد، چون اتکاء به خدا داشت. نه اینکه نمی‌دانست قدرت‌ها بدشان می‌آید و عصبانی می‌شوند، می‌دانست؛ اما به قدرت الهی و نصرت الهی باور داشت.

۳- اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی: در آن روزها، سعی می‌شد به خاطریک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول شود، امام بارها و بارها هشدار می‌داد، در مسائل اقتصادی، نظامی، سازندگی کشور، تبلیغات و بالاتر از همه انتخابات کشور به مردم اعتماد داشت.

۴- حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با خوی کاخ‌نشینی: همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند، تا آن جایی که در توان کشور است به محرومان کمک کنند، امام مکرر می‌گفت این کوخ‌نشینان و فقرا و محرومان اند که

این صحنه‌ها را پر کردند، با وجود محرومیت‌ها اعتراض‌ها نمی‌کنند، در میدانهای خطر هم حاضر می‌شوند.

۵- مخالفت صریح با جبهه‌ی قلدان بین‌المللی و مستکبران: امام با مستکبرین سرآشتی نداشت، واژه «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود، وقتی شما یک دستگاهی را، شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار و احساسات شما، در مقابل او چگونه باشد، امام تا روز آخر نسبت به آمریکا، همین احساس را داشت، عنوان «شیطان بزرگ» را هم به کار می‌برد.

۶- اعتقاد به استقلال ملی و ردّ سلطه‌پذیری: استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت. اینی که بعضی در زبان یا در شعار، دنبال آزادی‌های فردی باشند، اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است.

۷- تکیه بر وحدت ملی: توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن، چه تفرقه بر اساس مذهب شیعه و سنی، چه تفرقه بر اساس قومیت‌ها [از خطوط اصلی امام بود]، تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت یک تکیه کم‌نظیر داشت.

اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.

مبانی و محدودیت‌های آزادی اطلاعات و قرآن کریم

عیسی زارعی^۱ - نیره خداداد شهری^۲

چکیده

حق دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد اخبار به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندی از اصول پذیرفته شده جهان امروز است. دسترسی مردم به اطلاعات از جمله حقوقی است که تامین آن وظیفه و نیز به سود دولت‌هاست. امروزه ایجاد امکان قانونی برای دستیابی به اطلاعات رسمی درباره فعالیت‌های مسئولان و دستگاه‌های دولتی، بخشی اساسی از وظایف حکومت‌ها در قبال مردم و نماد مشارکت جویی و مردم‌سالاری است. پژوهش حاضر تلاش نموده است، علاوه بر کاوش در تاریخچه و مفاهیم آزادی اطلاعات، مبانی و الزامات و حق دسترسی به اطلاعات را در آیات شریفه قرآن کریم بررسی کرده، نیز محدودیت‌های آن را از نگاه کتاب آسمانی تحلیل نماید. بررسی حاضر نشان داد که بسیاری از اصول آزادی اطلاعات در قرآن کریم مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است. لذا برای تحقق آزادی اطلاعات، می‌توان مواردی همچون تعریف دقیق قلمرو و استثناهای آزادی اطلاعات، تسهیل دسترسی به اطلاعات، حمایت از افشاکندگان، اطلاع‌رسانی فعال و به موقع و اصلاح قوانین مغایر با اطلاع‌رسانی را مورد تأکید قرار داد.

کلید واژه‌ها: آزادی اطلاعات، حق دسترسی به اطلاعات، قرآن کریم، محدودیت‌های اطلاعات.

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان * نویسنده مسئول
eazarei@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی، دانشگاه الزهراء (shahri.lib.@gmail.com) (۴۵).

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۳۰

مقدمه

حق دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد اخبار به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی از اصول پذیرفته شده جهان امروز است. دسترسی مردم به اطلاعات و آگاه بودن آنان از اخبار پیرامونی خود از جمله حقوقی است که تامین آن وظیفه و نیز به سود دولت‌هاست. بدین لحاظ حق قانونی افراد برای به دست آوردن اطلاعات درباره فعالیت‌های حکومت خود، بخشی اساسی از مردم‌سالاری است.^۱ آزادی اطلاعات در ابتدا به عنوان یک حق بنیادین از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۴۶م، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که بیان می‌داشت: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری است و... سنگ بنای تمامی آزادی‌هایی است که سازمان ملل وقف آن است». البته آزادی اطلاعات نه به عنوان یک اصل مجزا در میان ابزارهای حقوق بشر، بلکه به صورت بخشی از حق بنیادین آزادی بیان، که شامل حق جست‌وجو، دریافت و به اشتراک نهادن اطلاعات است، مطرح گردید.^۲

از سوی دیگر، قرآن راهنمای انسان برای دستیابی به کمال است و نقش مؤثری در هدایت انسان‌ها برعهده دارد. زندگی حقیقی و حیات طیبه در پرتو عمل به دستورها و رهنمودهای قرآن شکل می‌گیرد؛ چرا که قرآن روش درست زیستن را می‌آموزد. بدین رو بررسی تحلیلی مباحث روز با تکیه بر آموزه‌های این منبع لایزال الهی و انتقال و تسری آن در جامعه، وظیفه خطیر پژوهشگران و محققان است. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که ضمن اشاره به مبانی و محدودیت‌های آزادی اطلاعات، مشخص نماید که آیا می‌توان

-
۱. حکیمی تهرانی، محمد مهدی، «آزادی اطلاعات؛ با نگاهی بر قانون انتشار و دسترسی»، *دوفصلنامه فقه و حقوق ارتباطات*، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۵-۱۴۸.
 ۲. نمک دوست تهرانی، حسن، «حق دسترسی به اطلاعات: بنیان‌ها، روند جهانی و جایگاه ایران»، *رسانه*، ش ۵۳، بهار ۱۳۸۲، ش ۵۳، ص ۵۰-۶۶.

این اصول و مبانی را در بطن آیات قرآن مورد بحث و بررسی قرار داد؟

فرضیه پژوهشی

در برخی از آیات قرآن کریم به الزامات و محدودیت‌های آزادی اطلاعات اشاره شده است.

هدف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، شناسایی آیات مرتبط با آزادی اطلاعات در قرآن کریم است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت و اهمیت تحقیق در چرایی آزادی اطلاعات نهفته است. اطلاعات همچون جریان خون در بدن انسان که حیات و سرزندگی بدان می‌بخشد، باید در سراسر جامعه ساری و جاری باشد. آزادی اطلاعات بدین معناست که افراد و نهادها، اطلاعات در دسترس خود را به انحصار خویش درنیاورند و به غیر از موارد محدودی که در این پژوهش به آنها اشاره خواهد شد، این منابع ارزشمند را در اختیار آحاد مردم برای بهره‌برداری قرار دهند. از سوی دیگر شایسته است در جامعه اسلامی، مبانی و اصول مسائل نوین با تکیه بر کتاب آسمانی تدوین گردد تا تمام جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی رنگ و بوی الهی به خود بگیرد. لذا ضروری است موضوع یادشده نیز در میان آیات قرآنی مورد کاوش قرار گرفته، ابعاد مختلف آن بحث و بررسی شود.

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا می‌توان بر تکیه بر آیات قرآن، از آزادی اطلاعات سخن گفت؟
۲. کدام یک از آیات قرآن بر مبانی آزادی اطلاعات و الزامات آن دلالت دارد؟
۳. کدام یک از آیات قرآن بر محدودیت‌های آزادی اطلاعات دلالت دارد؟

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد در موضوع آزادی اطلاعات در قرآن کریم پژوهش مستقلاً

تاکنون صورت نگرفته است. گرچه در خصوص جنبه‌های مختلف این بحث در موضوعاتی چون آزادی بیان در اسلام، آزادی بیان در قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام، آزادی عقیده در اسلام، آزادی اندیشه در اسلام و... تحقیقات قابل توجهی انجام گرفته است؛ اما تحقیق مرتبط با موضوع این مقاله، پژوهشی است با عنوان «مبانی فقهی حق بر اطلاعات»^۱ که در آن ساریخانی و اکرمی سراب (۱۳۹۱) آزادی اطلاعات را از منظر فقهی بررسی کرده‌اند.

روش پژوهش

روش به کار رفته در این تحقیق، تحلیل محتوای توصیفی است که به شیوه اسنادی کتابخانه‌ای انجام شده است. همچنین برای تحلیل محتوای آیات از شیوه سیاق استفاده شده است. بررسی سیاق در تفسیر آیات به مثابه روش تحلیلی متن الهی و مطالعه در چگونگی چینش این متون است.^۲ این شیوه در واقع همان قرینه مصداقی یا نشانه درون متنی است که ترکیب صدر و ذیل کلام، شکل دهنده آن می‌باشد.^۳

مبانی و الزامات آزادی اطلاعات

پژوهشگران الزامات، اصول و مبانی مختلفی را برای آزادی اطلاعات برشمرده و از جنبه‌های مختلف آن را مورد مذاقه قرار داده‌اند.^۴ تعدادی از این معیارها که از موارد و

۱. ساریخانی، عادل و روح‌الله اکرمی سراب، «مبانی فقهی حق بر اطلاعات»، حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۵)، ۱۳۹۱ ش، ص ۳۷-۶۰.

۲. پورحسن، قاسم، «سیاق در قرآن»، پیام جاویدان. ش ۵، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۰-۴۷.

۳. ربانی، محمدحسن، «نقش سیاق در تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۲۲-۳۴۱.

۴. همان‌جا؛ اسماعیلی، محسن، «آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و معارف اسلامی»، رسانه، سال هجدهم، ش ۱، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۴۵-۲۶۱؛ نمک‌دوست تهرانی، حسن، «حق دسترسی به اطلاعات:

←

مصادیق مهم تأمین‌کننده حق آزادی اطلاعات به شمار می‌روند و جایگاه بالاتری دارند، گزینش شده و در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند. بدین رو در ادامه با برشمردن یکایک این الزامات، هریک از آنها جداگانه در آیات شریفه قرآنی بررسی و تحلیل شده است:

۱. مشارکت مردمی و حضور دائمی در صحنه

در دنیای معاصر، آزادی اطلاعات به عنوان لازمه دموکراسی مشارکتی شناخته شده و به دلیل کارکردهای مفیدش، اکسیژن مردم‌سالاری لقب گرفته است؛ زیرا اگر مردم ندانند در جامعه آنها چه می‌گذرد و اگر اعمال حاکمان و مدیران جامعه از آنها پنهان باشد، قادر نخواهند بود در اداره امور جامعه نقش ایفا کرده، سهم مهمی داشته باشند. در قرآن کریم، مشاوره با دیگران و استفاده از عقل جمعی در کارها همواره به انحاء مختلف مورد تأکید قرار گرفته است و حتی پیامبر اسلام نیز به مشاوره با اصحاب و یاران سفارش شده است: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...﴾ (آل عمران/۱۵۹). در جایی دیگر از اجابت‌کنندگان دعوت پروردگار و برپادارندگان نماز به عنوان کسانی یاد می‌کند که اعمال و رفتار خویش را با مشورت به انجام می‌رسانند: ﴿... وَأْمُرْهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ...﴾ (شوری/۳۸).

از سوی دیگر آگاهی افراد جامعه از اطلاعات جاری در دستگاه‌های دولتی، به نظارت بیشتر آنان و به برپا داشتن امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه خواهد انجامید. جایگاه رفیع آمران به معروف و ناهیان از منکر بارها در قرآن کریم اشاره شده است، به‌گونه‌ای که از چنین افرادی به عنوان رستگاران یاد شده است: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران/۱۰۴). و نیز امتی که ایمان حقیقی داشته و چنین رویکردی را دنبال می‌نمایند، بهترین امت نامیده شده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (آل عمران/۱۱۰). در جایی دیگر اشتغال به این عمل، همپای پرداخت زکات و برپایی

→ بنیان‌ها، روند جهانی و جایگاه ایران»، رسانه، ش ۵۳، بهار ۱۳۸۲ ش، ص ۵۰-۶۶.

نماز دانسته شده است: ﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (حج/۴۱). گذشته از آن، در اقامه این سفارش اکید، تفاوتی میان زن و مرد قائل نشده است، چرا که زنان نیز در کنار مردان در برابر سرنوشت جامعه مسئولیت و تعهد دارند: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾ (توبه/۷۱). قرآن کریم یادآوری می‌نماید که ترک امر به معروف و نهی از منکر، جامعه را به سمت فساد و انحراف و رواج ظلم و ستم و گناهکاری سوق خواهد داد: ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ...﴾ (هود/۱۱۶).

۲. تعلق اطلاعات به مردم

مبنای دیگر برای دفاع از آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات دولتی آن است که در یک جامعه مردم‌سالار، کل حکومت و اطلاعات آن به مردم تعلق دارد و حاکمان و مدیران جامعه، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، نماینده و وکیل مردم هستند. براین اساس، هر مالکی می‌تواند به دارایی خود دسترسی داشته باشد و از چند و چون اداره آن مطلع شود. اطلاعات موجود در دستگاه‌های حکومتی به حکومت تعلق ندارد، بلکه از آن مردم است و حکومت به نمایندگی از مردم از آن اطلاعات نگهداری می‌کند. خداوندی که آسمان‌ها و زمین را به حق و انسان‌ها را به زیباترین صورت آفریده است و بازگشت همه را به سوی خویش می‌داند: ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ (تغابن/۳)، چگونه ممکن است اطلاعات را متعلق به مردم نداند و او را در تصاحب و استفاده تام و تمام از آن ذی حق شناسد. علاوه براین، از نظر قرآن کریم قبل از آنکه بشر بتواند فعالیتی بکند و قبل از آنکه دستورهای دین به وسیله پیامبر به مردم اعلام شود، نوعی علاقه و ارتباط میان انسان و مواهب خلقت هست و این مواهب متعلق به انسان و حق انسان است؛ مثل اینکه می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ (بقره/۲۹). نمونه‌هایی از این حقوق، درس خواندن و دانا شدن، رأی دادن، فکر کردن و اراده آزاد داشتن، حق والدین در حضانت طفل، حق سکونت در

وطن، حق تساوی در کسب و کار و مالکیت (نساء/۳۲)، برابری در تمامی حقوق طبیعی (حجرات/۱۳)، عدالت (نساء/۵۸)، حق حیات و زندگی (مائده/۳۲) است. همچنین در آیات الهی تصریح شده است که حقوق انسان‌ها و دفاع از آن لازم و امری بایسته است (آل عمران/۷۵) و حتی برای دفاع از حقوق توده‌های مردم، بی توجه به دین و مذهب و رنگ و نژاد می‌بایست اقدام کرد و از نظر شریعت اسلام این دفاع لازم و واجب است: ﴿وَمَا لَكُمْ لَأْتِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ...﴾ (نساء/۷۵). بنابراین آزادی اطلاعات و دسترسی به آن را می‌توان یکی از حقوق ذاتی مردم دانست و حکومت‌ها موظف به اجرای آن در سطح جامعه می‌باشند.

۳. پاسخ‌گویی (الزام به انتشار)

حق دسترسی مردم به اطلاعات موجود در دستگاه‌های حکومتی مقدمه پاسخ‌گویی حکومت به شمار می‌رود. وقتی مردم از چند و چون اداره امور خود آگاه شوند، ممکن است ده‌ها پرسش یا نکته مبهم در این باره برای آنها مطرح شود. حکومت پاسخ‌گو، حکومتی است که این پرسش‌ها و نکته‌های مبهم را با گوش باز می‌شنود و به آنها پاسخ معقول می‌دهد. این مسئله از قاعده الزام به انتشار نیز نشئت می‌گیرد. نهادهای دولتی همواره باید ملزم به انتشار اطلاعات کلیدی باشند. تحقق آزادی اطلاعات مستلزم آن است که نهادهای دولتی نه تنها به درخواست دریافت اطلاعات پاسخ مثبت دهند، بلکه باید اسناد، مدارک و اطلاعات مورد توجه عموم را به طور مستمر منتشر کنند. از همین رو در قوانین حق دسترسی، هم الزام عمومی به انتشار و هم مقوله بندی اطلاعاتی که باید انتشار یابند، پیش‌بینی می‌شوند. در قرآن کریم، مقابله با شایعه‌ها و اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع، از وظایف حکومت برشمرده شده و آن را مایه پیشگیری از گمراهی و انحراف دانسته است: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...﴾ (نساء/۸۳).

بدین رو پاسخ‌گویی مسئولان سبب اعتماد مردم به آنها و در نتیجه همکاری مردم با مسئولان در تمام امور خواهد شد و از سوی دیگر اگر اولیای امور خود را در معرض انتقاد قرار دهند و پاسخ‌گو باشند، اشتباهات آنان در بسیاری از مسائل برطرف می‌گردد. اگر

پاسخ‌گویی در حکومت‌های دیگر به شکل قانون یا یک توصیه باشد، در حکومت اسلامی، وظیفه، تکلیف و واجب الهی به شمار می‌رود. آیه ۹۳ سوره نحل ﴿...وَلْتَسألنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾، تأکید می‌کند که انسان‌ها در قبال اعمال خویش، متعهد و مسئول‌اند. این مسئولیت در اسلام، فراگیر بوده و هیچ کس از مسئول بودن، و مورد سؤال قرار گرفتن استثنا نیست. بدیهی است یکی از جنبه‌های این پاسخ‌گویی می‌تواند با آزادی مردم در دسترسی به اطلاعات دولتی متجلی شود و جامعه عمل پوشانده شود.

۴. حمایت از هشداردهندگان

کسانی که اطلاعات خطاها و اشتباهات را منتشر می‌کنند (هشداردهندگان) نیز باید حمایت شوند. این افراد باید در برابر هرگونه مجازات قانونی، اجرایی یا استخدامی به دلیل افشای اطلاعات مربوط به خلاف کارها محافظت شوند. مقصود از خلاف کاری، ارتکاب جرم، پیروی نکردن از الزام‌های قانونی، رعایت نکردن عدالت، فساد و فریبکاری، یا بدکاری جدی در یک نهاد حکومتی است. قرآن کریم، وجود اصلاحگران و هشداردهندگان در اجتماع را ضامن بقای جامعه دانسته و تصریح کرده که این افراد باید در جامعه صاحب قدرت و جایگاه و نفوذ باشند تا هشدار و اندازشان تأثیر داشته باشد: ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ (هود/۱۱۶). این آیه تصریح می‌کند که امت‌های هلاکت شده پیشین، فاقد جمعیتی از مصلحان دلسوز و بازدارنده مردم از فساد و تباهی بودند. بنابراین در جامعه اسلامی هشداردهندگان و ناصحان و به ویژه کسانی که با رعایت ملاحظات قانونی و شرعی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد - اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می‌گذارند، باید تکریم شوند و از تهدید و تحدید آنها در میان جامعه می‌باید پرهیز نمود.

۵. لزوم مبارزه با فساد

افزون بر فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های راجع به مسائل عمومی و نیز نظارت مردم بر عملکرد مدیران جامعه، حق دسترسی به اطلاعات موجود در

دستگاه‌های دولتی، ابزار مهمی برای مبارزه با فساد اداری نیز می‌باشد. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، شفافیت، کلیدی‌ترین روش برای جلوگیری از فساد، کشف فساد و حمایت از تمامیت حکومت است. بدون تردید وقتی مردم از میزان بودجه کشور، چگونگی تخصیص آن به دستگاه‌های حکومتی و چگونگی مصرف آن و قراردادهایی که این دستگاه‌ها با اشخاص مختلف و به مناسبت‌های مختلف منعقد می‌کنند، دسترسی داشته باشند، بسیاری از زمینه‌های فساد اداری و مالی از بین می‌رود. قرآن کریم تصریح می‌کند که خداوند فساد را دوست ندارد: ﴿... وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره/۲۰۵؛ قصص/۷۷) و بارها مردم را از فسادگری و فسادانگیزی در جامعه نهی می‌کند: ﴿... وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (بقره/۶۰؛ هود/۸۵؛ اعراف/۷۴؛ عنکبوت/۶؛ شعراء/۱۸۳) و فسادانگیزان را از زیانکاران می‌داند: ﴿الَّذِينَ يَتَقَصُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (بقره/۲۷). همچنین در قرآن کریم، فسادگری و نصیحت‌ناپذیری، از نشانه‌های نفاق و دورویی دانسته شده است؛ چنان‌که در آیه ۱۱ سوره بقره آمده است: «وهنگامی که به آنان گفته شود: در زمین فساد نکنید، می‌گویند: ما فقط اصلاح‌کننده‌ایم!». بنابراین مسئولان حکومتی می‌بایست زمینه‌های گسترش فساد را در جامعه از بین ببرند. بدون شک یکی از راه‌های جلوگیری از ایجاد و گسترش فساد، اطلاع‌رسانی مداوم به مردم و جریان آزاد اطلاعات در سطح جامعه است.

۶. گسترش عدل

عدل وظیفه اصلی و در حقیقت دلیل وجود حکومت است، نه تنها به معنای تلافی‌کننده آن در خصوص رسیدگی به شکایات، بلکه به معنای عدل توزیعی؛ یعنی ایجاد تعادل و موازنه در توزیع منافع و امتیازات امت. مطالبه فراهم کردن عدل در سطح جامعه، در قرآن کریم بسیار بارز است. مسلمانان، در هر سطحی، شخصی باشد یا عمومی، در داد و ستد با دوستان و دشمنان، مسلمانان و غیرمسلمانان، هم در گفتار و هم در کردار، ملزم به رعایت انصاف و عدل‌اند. عدل جزء اصلی ایمان است و برپایی اصل عدل محدود به محیط دادگاه یا مجموعه‌ای از دستورات رسمی نیست، بلکه به

جایگاه والای عدل در سلسله مراتب ارزش‌های اخلاقی و معنوی اسلامی فرمان می‌دهد. این مقصود آیه‌ای از قرآن است که اعلام می‌کند: عدل باید غایت نهایی دین باشد (حدید/۲۵). خدای متعال نه تنها خود به حق و عدالت داوری می‌کند: ﴿وَاللَّهُ يَفْضِي بِالْحَقِّ...﴾ (غافر/۲۰)، بلکه از بندگان خویش نیز می‌خواهد به هنگام قضاوت میان مردم، به عدالت داوری کنند: ﴿...وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعْمًا بِعِظَتِكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (نساء/۵۸) و به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...﴾ (نحل/۹۰). در آیات شریفه الهی، حتی به لزوم رعایت عدل و انصاف در سخن نیز اشاره شده است: ﴿... وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا...﴾ (انعام/۱۵۲) و در جایی دیگر از رفتارهای غیر عادلانه با مخالفان، با انگیزه کینه و دشمنی منع شده‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا...﴾ (مائده/۲). بدین رو، عدل و عدالت یکی از سفارش‌های مؤکد آیات الهی محسوب شده و رعایت و التزام به آن، در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. بدیهی است آزادی اطلاعات می‌تواند، عدالت دسترسی به اطلاعات را در میان آحاد و طبقات مختلف مردم در سطحی گسترده برقرار نماید.

۷. حق جویی و حقیقت‌طلبی

تأکید اسلام بر لزوم به کارگرفتن اندیشه و روشننگری و آگاهی بخشی و بیان حقایق بر کسی پوشیده نیست. واژه‌های حق و حقیقت، ارزشمندترین و زیباترین واژه‌ها برای انسان معرفت‌جو است. این حس حقیقت‌جویی است که آدمی را از حیوانات جدا و ممتاز می‌سازد و لذا کشف حقیقت بالاترین لذت معرفت را برای او به ارمغان می‌آورد. تمامی آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی و عملی اسلام در این مسیر قرار دارد.^۱ خداوند، آن

۱. رستمی‌زاده، رضا، «دانش پژوهی و حقیقت‌جویی در اسلام اساس نهضت تولید علم»، در مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، ش ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۵-.

حقیقت مطلق، با ستایش از حق‌گرایان، اسلام و ایمان را همان اقرار به حق می‌داند و هدایت کسانی را که در راه شناخت حق تلاش می‌کنند، تضمین کرده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹). در نگاه قرآنی نظام تکوین و تشریح بر محور حقیقت استوار است و آیات الهی نظام آفرینش را نظامی بر محور حق معرفی کرده، بطلان و پوچی را در آفرینش جهان نفی می‌کند: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...» (روم/۸). یا در جایی دیگر می‌فرماید: «و ما آسمان ها و زمین و هر آنچه را که میان این دو است باطل نیافریدیم» (ص/۲۷). بنابراین جهت‌گیری نظام آفرینش در دیدگاه قرآنی بر تشبیت حق و ریشه‌کن شدن باطل است: «يُحِقُّ الْحَقَّ وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال/۸). همچنین قرآن کریم بر شناخت حق از باطل و نیز عدم کتمان آگاهانه آن تاکید می‌کند: «وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۴۲) و در جایی دیگر عدم آگاهی و دانش و پیروی از حدس و گمان بی‌پایه را دلیل روی‌گردانی از حق و حقیقت می‌داند: «وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (نجم/۲۸). بدین سان آزادی اطلاعات و تزریق آگاهی و روشن‌گری به بطن جامعه می‌تواند عموم مردم را به سوی حق و حقیقت رهنمون سازد و آنها را از گمراهی و دوری از حقایق مصون نگه دارد.

موانع و محدودیت‌ها

محدودیت‌ها و استثناهایی که بر آزادی اطلاعات وارد می‌شود برای حمایت از منافع است که به صورت فردی یا جمعی متوجه اشخاص می‌باشد. ایجاد محدودیت بر فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، اگر در ظاهر خلاف اصول آزادی اطلاعات به شمار می‌آید، اما نمی‌توان الزامات آزادی اطلاعات را به طور مطلق تفسیر نمود و از آزادی هرگونه اطلاعات و در هر شرایطی سخن گفت.^۱ بنابراین برخی از محدودیت‌ها در واقع برای

۱. جاویر، حسین و محدثه اصولی یامچی، «جایگاه فقهی مصلحت عمومی در محدودیت اطلاع‌رسانی»،

حفظ حریم آزادی اطلاعات و نیز برای عدم تعدی به حقوق دیگران و حفظ ارزش های دینی در جامعه اسلامی لازم و ضروری است. در ادامه برخی از مواردی که در این مقوله قابل توجه می باشند، با تکیه بر آیات شریفه قرآنی بحث و بررسی شده اند:

۱. امنیت ملی

حمایت از امنیت ملی ایجاب می کند دولت ها از هرگونه اقدامی که این امنیت را در معرض تهدید قرار می دهد پیشگیری کرده، در صورت انجام اقداماتی علیه امنیت ملی، اقدام کنندگان را مجازات کنند. دسترسی به اطلاعات امنیتی موجود در مؤسسات عمومی یکی از عواملی است که می تواند زمینه را برای تهدید امنیت ملی فراهم آورد. به همین دلیل، در قوانین آزادی اطلاعات کشورهای مختلف، برای ممانعت از دسترسی شهروندان به اطلاعات امنیتی، دو اقدام اساسی صورت گرفته است: استثنا کردن اطلاعات امنیتی از قلمرو اطلاعات مشمول آزادی اطلاعات و استثنا کردن مؤسسات امنیتی از قلمرو مؤسسات مشمول آزادی اطلاعات. این مقوله در آیات قرآن کریم نیز مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این موارد، ممنوعیت شایعه سازی و فاش ساختن اطلاعات نظامی و به عبارتی حرمت پخش و اشاعه اخبار امنیتی و نکوهش افشاکنندگان اخباری است که سبب ترس و وحشت از دشمن می شود: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء/۸۳).

در جایی دیگر افشای اسرار جامعه اسلامی، خیانت به خدا، رسول اکرم ﷺ و مؤمنان تلقی شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال/۲۷)، تا جایی که در آیه ۶۰ سوره مبارکه احزاب، منافقان و شایعه پراکنان، به کیفر اعمالشان که همانا تجاوز به حقوق و امنیت مردم بوده است، تهدید شده اند: ﴿لَنْ لَّم يَنْتَهُ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾.

فقهِ و حقوق ارتباطات، ش ۱، ۱۳۹۰ش، ص ۵۰-۸۶.

بنابراین آزادی اطلاعات نباید امنیت ملی را در جامعه اسلامی مخدوش سازد و در این‌گونه موارد آشکارسازی و دسترس‌پذیری اطلاعات، باید با احتیاط و رعایت موارد امنیتی صورت پذیرد.

۲. اسرار دولتی

اسرار دولتی همانند امنیت ملی، یکی از حساس‌ترین و شکننده‌ترین حوزه‌های آزادی اطلاعات محسوب می‌شود که از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا اطلاعاتی که در این مقوله قرار می‌گیرند یا کاملاً غیرقابل افشاء می‌شوند یا افشای آنها از سازوکار خاصی پیروی کرده، تابع محدودیت‌هایی می‌شود. به همین دلیل، برای حمایت از آزادی اطلاعات و نیز به منظور معلوم کردن اطلاعاتی که اسرار دولتی محسوب می‌شوند، در تدوین و تفسیر قوانین مربوط به اسرار دولتی باید از اصول و موازین خاصی پیروی کرد تا آزادی اطلاعات در مصاف با اسرار دولتی قربانی نشود. با توجه به این اصول و قواعد است که درباره اعتبار و ارزش قوانین و مقررات مربوط به اسرار دولتی قضاوت می‌شود و انطباق آنها با موازین یک جامعه مردم‌سالار، دولت شفاف و آزادی بیان و اطلاعات سنجیده می‌شود. مقوله‌بندی متعارف اسرار دولتی که در بیشتر کشورها به چشم می‌خورد، عبارت است از: مقوله اسرار نظامی، مقوله اسرار اقتصادی، علمی و تکنولوژی، مقوله اسرار سیاسی، اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی.

عدم افشای اطلاعات سری و نکوهش این عمل در قرآن کریم در بحث مربوط به امنیت ملی اشاره شد و آیات مربوط بررسی گردید. علاوه بر آن، لزوم پرهیز اهل ایمان از مخرم اسرار قرار دادن بیگانگان، ضرورت حفاظت اطلاعات و اسرار جامعه اسلامی، لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی در برابر توطئه‌ها و نفوذهای دشمنان دین به علت دشمنی بیگانگان با اسلام و جامعه ایمانی در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران مورد تأکید قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِلَطَانَةٍ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ». لذا اسرار دولتی که می‌تواند مورد سوءاستفاده دشمنان قرار گیرد، بنا به دستور صریح آیات قرآنی می‌بایست مورد حفاظت قرار گیرد و قاعدتاً خارج از شمول آزادی اطلاعات

محسوب می‌گردد.

۳. حریم خصوصی

ارتباط میان آزادی اطلاعات و حریم خصوصی درباره اطلاعاتی مطرح می‌شود که داده‌های شخصی نامیده می‌شوند. در واقع، داده‌های شخصی، جزئی از قلمرو حریم خصوصی افراد را تشکیل می‌دهند. توضیح آنکه هریک از افراد جامعه خواسته یا ناخواسته، داده‌های زیادی را در اختیار دولت و برخی از مؤسسات بخش خصوصی قرار می‌دهد. در بسیاری از موارد، ارائه این داده‌ها لازمه دسترسی شهروند به خدمات عمومی است؛ برای مثال، استفاده از خدمات بانکی، پزشکی یا بهداشتی، آموزشی و تحصیلی، خدمات آب و برق و گاز و تلفن، استخدام در دستگاه دولتی یا خصوصی، منوط به آن است که داده‌های شخصی متقاضی در اختیار دولت یا بخش خصوصی قرار گیرد. دسترسی به چنین داده‌هایی برای رعایت مساوات در برخورداری از خدمات عمومی و مبارزه با تبعیض و در نهایت، توزیع عادلانه خدمات عمومی ضروری است. اهمیت داده‌های شخصی و ارتباط آنها با آزادی، استقلال و کرامت انسانی سبب شده است که در برخی از اسناد، حق افراد در مصون بودن داده‌های شخصی آنها از تعرض‌های غیرقانونی، یکی از حقوق بشر یا اساسی محسوب شود و حمایت‌های جدی از آن به عمل آید. از سوی دیگر حق حریم خصوصی و منع ورود به حیطه خصوصی افراد نیز مورد نظر شارع مقدس بوده و در دهه‌های اخیر مورد توجه جدی حقوقدانان قرار گرفته است.^۱ آیات شریفه قرآن کریم، حریم خصوصی را با ممنوعیت و حرمت تجسس در احوال و زندگی خصوصی دیگران برجسته ساخته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲). در این آیه تجسس و کنجکاوای در عیوب و کاستی‌های زندگی مؤمنان، هم‌ارز و هم‌ردیف گناه کبیره غیبت قرار گرفته و

۱. جعفری، علی، «مبانی فقهی حقوقی اطلاع‌رسانی و محدودیت آن»، دو فصلنامه فقه و حقوق ارتباطات،

سال اول، ش ۲، ۱۳۹۱ش، ص ۷۷-۱۱۴.

نشانه بی تقوایی و نیازمند توبه به درگاه الهی دانسته شده است. این آیه اهمیت حریم خصوصی را گوشزد نموده است و لذا مشخص است که آزادی اطلاعات نباید حریم خصوصی و شخصی افراد را مورد تعرض قرار دهد و آبروی افراد را خدشه دار نماید.

۴. اختلاف افکنی

قرآن کریم به مسئله وحدت اسلامی اهتمامی ویژه داشته، اتحاد را نعمت خدا و اختلاف را نوعی از عذاب الهی می‌داند، به گونه‌ای که ایجاد و حفظ وحدت در جامعه اسلامی از مظاهر تقوای الهی می‌باشد. آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳) همه مسلمانان را به اتحاد و دوری از اختلاف دعوت می‌کند. و در سیاق آیاتی قرار دارد که در صدر آن، مؤمنان را به رعایت تقوای الهی فرامی‌خواند. از اینجا می‌توان این نکته را برداشت نمود که ایجاد و حفظ وحدت در جامعه اسلامی از مظاهر تقوای اجتماعی - سیاسی است، چنان که ایجاد تنش و درگیری برخلاف تقوای الهی می‌باشد. اختلاف از بدترین انواع عذاب برای جامعه انسانی است که پیامدهای شوم درونی و بیرونی را در پی دارد. پیامد درونی اش این است که هر لحظه احتمال دارد آتش جنگ و درگیری در چنین جامعه‌ای شعله‌ور شود و همه هستی آن را به آتش کشد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...» (آل عمران/ ۱۰۳)؛ شما در اثر اختلاف بر لبه گودالی از آتش بودید؛ پس خدا شما را از آن نجات بخشید.

پیامد بیرونی اختلاف این است که جامعه در اثر آن قدرتش را از دست می‌دهد و در برابر دیگران ضعیف و سرخورده می‌شود: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...» (انفال/ ۴۶)؛ با هم منازعه و درگیری نکنید. آن گاه سست می‌شوید و قدرتتان از دست می‌رود.

تعبیر به «تذهب ریحکم» اشاره لطیفی است به اینکه با نزاع و کشمکش هم قدرت جامعه و هم حیثیت و آبرویش از بین می‌رود. بنابراین آزادی و اشاعه اطلاعات نباید موجب اختلاف افکنی در میان صفوف مسلمانان شود و آنها را از وحدت و همدلی دور نماید.

۵. بدعت‌گذاری در دین

یکی از آفات و آسیب‌های مهمی که جریان‌های فکری و فرهنگی به ویژه ادیان و شریعت‌های الهی را در طول تاریخ با مشکلات روبه‌رو ساخته، بدعت و جریان‌های بدعت‌گذار بوده است. بدعت در دین موجب ظهور یک سلسله مسائل جدید به نام مذهب می‌گردد. در باورهای مردم ایجاد تردید نموده، فرقه‌ها، و جریان‌های باطل پدیدار شده و سبب ناکارآمدی و گریز از دین می‌گردد. اسلام به ویژه مکتب آسمانی اهل بیت همواره در طول تاریخ با بدعت و بدعت‌گذاری مواجه بوده است. حرمت بدعت در اسلام به این دلیل است که بدعت‌گذاری نوعی افتراء برخداست و افتراء برخداوند از گناهان کبیره و حرام است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿...ءاللهُ اذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلَى اللّٰهِ تَفْتَرُونَ﴾ (یونس/۵۹)؛ آیا خداوند اجازه چنین کاری را داده است یا به او افتراء می‌بندید. در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلٰى اللّٰهِ كَذِبًا...﴾ (انعام/۹۳)؛ کیست ستمکارتر از آن‌که بر خدا دروغ بندد.

از آنجا که معارف و احکام الهی باید از طریق وحی و ادله معتبره به ثبوت برسد، هرگونه بدعت در دین نامشروع و گناه عظیمی محسوب می‌گردد؛ چرا که اگر باب بدعت در دین گشوده شود، هرکس با سلیقه شخصی و فکر خاص خود می‌کوشد چیزی بر آیین خدا بیفزاید یا از آن بکاهد و دین بازیچه هوی پرستان و سودجویان می‌گردد. پیداست که حد و مرز آزادی اطلاعات، پرهیز از بدعت‌گذاری در دین و اعتقادات مذهبی مردم است و این نکته باید در وضع قوانین مربوط به آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

۶. مالکیت فکری

حق معنوی یا فکری، حق و مزیتی است قانونی و غیرمادی که مربوط به پدیدآورنده و برای حمایت از اوست و به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت فکر و ابتکارش را می‌دهد. دارنده کپی‌رایت می‌تواند با استناد به این حق، از افشای اثر خود به عموم امتناع کند و اطلاعات خود را از آنها دریغ بدارد و حق تکثیر اثر خود را طبق شرایط دلخواه به شخص خاصی واگذار نماید. آیات شریفه قرآن بر حرمت استفاده کردن از مال مردم بدون رضایت آنها تأکید نموده و هرگونه تصرف در اموال دیگران از طریق نادرست و

بناحق را نهی فرموده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكْمِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره/۱۸۸). همچنان غصب و تجاوز به حقوق دیگران و هرگونه تصرف در اموال دیگران که به صورت باطل و ناروا و غیر شرعی باشد، باطل و حرام است: ﴿...لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾ (نساء/۲۹). علاوه بر این، می‌توان وجوب وفای به عهد و پیمان را که در آیه اول سوره مائده بدان اشاره شده است از مستندات مشروعیت حق مالکیت فکری دانست. بدین سان در آزادی اشاعه و نشر اطلاعات می‌بایست حقوق افراد و به ویژه حق معنوی پدیدآورندگان اطلاعات را در نظر گرفت و به محدودیت‌های آن توجه داشت.

نتیجه‌گیری

فقدان آزادی اطلاعات و طفره رفتن از شناسایی آن، معلول وجود فرهنگ اسرارگرایی در بسیاری از حکومت‌های جهان است. منظور از تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات آن است که باید تشریفات دسترسی به اطلاعات، کم شود؛ مهلت‌های زمانی دقیق برای به جریان انداختن درخواست‌های دسترسی پیش‌بینی شود؛ هر نوع امتناع از پاسخ به درخواست‌ها با ذکر دلایل و به صورت مکتوب صورت گیرد؛ متقاضی دسترسی این امکان را داشته باشد که به اطلاعات مورد نظرش، به شکلی که می‌پسندد دسترسی داشته باشد؛ محدودیت‌ها و موانع عملی دسترسی از میان برداشته شود؛ و سرانجام آنکه، هزینه دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی نباید به اندازه‌ای بالا باشد که متقاضیان احتمالی را از طرح درخواست خود منصرف کند.^۱ پژوهش حاضر بر آن بود که موضوع آزادی اطلاعات را در آیات قرآن مورد کند و کاو قرار دهد. بررسی حاضر نشان داد که نه تنها بسیاری از اصول آزادی اطلاعات در قرآن کریم مورد اشاره و تاکید قرار گرفته، بلکه الزامات و مبانی بیشتری نیز می‌توان با تکیه بر محتوای آیات استخراج نمود و به اصول موجود افزود. پرسش‌های بعدی پژوهش نیز که بررسی ادله قرآنی الزامات و

۱. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، ص ۱۶.

محدودیت‌ها بود، در بخش‌های جداگانه به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بنابراین این فرضیه که در آیات متعدد قرآن کریم بر الزامات و محدودیت‌های آزادی اطلاعات تصریح شده است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش برای تحقق آزادی اطلاعات، می‌توان مواردی چون تعریف دقیق قلمرو و استثناهای آزادی اطلاعات، تسهیل دسترسی به اطلاعات، اتخاذ تدابیر مبارزه با فرهنگ اسرارگرایی، پیش‌بینی ضمانت اجرا برای حق دسترسی به اطلاعات، علنی کردن برخی نشست‌های دولتی، حمایت از افشاکنندگان، عدم الزام متقاضی اطلاعات به ارائه دلیل، اطلاع‌رسانی فعال و به موقع و اصلاح قوانین مغایر با اطلاع‌رسانی را مورد تأکید قرار داد.

منابع

۱. قرآن کریم .
۲. اسماعیلی، محسن، «آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و معارف اسلامی. رسانه، سال هجدهم، ش ۱، ص ۲۴۵-۲۶۱.
۳. انصاری، باقر، «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، نامه حقوقی، ج ۳، ش ۱، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۳۷-۱۵۸.
۴. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۵. پورحسین، قاسم، «سیاق در قرآن»، پیام جاویدان، ش ۵، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۰-۴۷.
۶. جاور، حسین و محدثه اصولی یامچی، «جایگاه فقهی مصلحت عمومی در محدودیت اطلاع‌رسانی»، فقه و حقوق ارتباطات، ش ۱، ۱۳۹۰ ش، ص ۵۰-۸۶.
۷. جعفری، علی، «مبانی فقهی حقوقی اطلاع‌رسانی و محدودیت آن»، دوفصلنامه فقه و حقوق ارتباطات، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۱ ش، ص ۷۷-۱۱۴.
۸. حکیمی تهرانی، محمد مهدی، «آزادی اطلاعات؛ با نگاهی بر قانون انتشار و دسترسی»، دوفصلنامه فقه و حقوق ارتباطات، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۱۵-۱۴۸.
۹. ربانی، محمد حسن، «نقش سیاق در تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی. ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۲۲-۳۴۱.
۱۰. رستمی زاده، رضا، «دانش پژوهی و حقیقت‌جویی در اسلام اساس نهضت تولید علم»، در مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، ش ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۵-۱۱۸.
۱۱. ساریخانی، عادل و روح‌الله اکرمی سراب، «مبانی فقهی حق بر اطلاعات»، حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۵)، ۱۳۹۱ ش، ص ۳۷-۶۰.

۱۲. عرفانی منش، محمد امین، «آزادی اطلاعات»، *ره‌آورد نور*، ش ۲۱، ۱۳۸۶ش، ص ۲۴-۲۹.

۱۳. نمک دوست تهرانی، حسن، «حق دسترسی به اطلاعات: بنیان‌ها، روند جهانی و جایگاه ایران»، *رسانه*، ش ۵۳، ۱۳۸۲ش، ص ۵۰-۶۶.

۱. Mendel, Toby (۲۰۰۸); **Freedom of Information (A Comparative Legal Survey)**, Paris: Unesco, Second Edition.

تقسیم قرآن به هفت حزب

دکتر محسن رجبی قدسی^۱

چکیده

افزون بر تقسیم الهی قرآن کریم به ۱۱۴ سوره، بنا بر تعلیم رسول خدا ﷺ در سال نهم هجری، قرآن مجید به هفت حزب نیز تقسیم شده است: سه سوره اول (بقره، آل عمران و نساء)، حزب اول؛ پنج سوره بعدی، حزب دوم؛ هفت سوره بعدی، حزب سوم؛ نه سوره بعدی، حزب چهارم؛ یازده سوره بعدی، حزب پنجم؛ سیزده سوره بعدی، حزب ششم؛ و شصت و پنج سوره آخر مصحف شریف از سوره «قاف» تا «ناس»، حزب هفتم قرآن است که پیامبر اعظم آن را «حزب مَفْصَل» نام نهاده‌اند. بر پایه آموزه‌های نبوی، حزب مَفْصَل از سوره ناس تا قاف، «لُبَّاب» (چکیده و مغز) قرآن است که در شش حزب دیگر قرآن تفصیل یافته، و «باب» (مسیر ورود) قرآن است؛ یعنی مسیر درست آموزش و ترویج، و تحقیق و تفسیر قرآن از این قسمت از قرآن آغاز و به سوره بقره ختم می‌شود. غفلت و بی‌توجهی از این تعلیم اسوه حسنه پیامبر اکرم، آسیب‌های فراوانی را در حوزه آموزش و ترویج، و فهم و تفسیر قرآن در پی داشته که قابل دقت و بررسی است.

کلید واژه‌ها: آموزش قرآن، تسبیح قرآن، تحزب قرآن، حزب مَفْصَل، سیره نبوی.

۱. بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه ادیان و مذاهب اسلامی rajabiqodsi@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۴/۲/۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۳۰

مقدمه

نگاهی به ۶۲۳۶ آیه^۱ و ۱۱۴ سوره قرآن مجید - که بسیاری آن را تنها تقسیم‌بندی توفیقی از جانب خداوند سبحان و پیامبر اکرم می‌دانند - نشان می‌دهد که آیات و سوره‌های قرآن از جنبه‌های مختلف از جمله از نظر حجم و تعداد آیه، نظام‌هنگ و فواصل آیات، گزینش مفاهیم و اولویت‌بندی آنها متفاوت‌اند. معمولاً سوره‌های آخر مصحف شریف، کوتاه و کم‌آیه‌اند، ولی اساسی‌ترین نیاز انسان‌ها را با اختصار و با نظام‌هنگی گوش‌نواز و در عین حال کوبنده تبیین می‌کنند؛ مثلاً پنج آیه از شش آیه سوره ناس به کلمه «الناس» ختم می‌شود و کلمه «الختاس» در پایان آیه چهارم نیز در قرائت ترکیبی از دو بخش «خن» و «ناس» است. سه سوره نصر، کوثر و عصر هر یک سه آیه دارند، که در مقایسه با «زهرآوین» دو سوره آغازین مصحف پس از فاتحه‌الکتاب، یعنی بقره با ۲۸۶ آیه و آل عمران با ۲۰۰ آیه، به ظاهر حجم بسیار کمی دارند.

تقسیم قرآن به سوره و آیه و چگونگی کنار هم قرار گرفتن سوره‌ها در مصحف شریف با ویژگی‌های متفاوتی که دارند، برای کسانی که ترتیب آیات و سوره‌ها به شکل فعلی را توفیقی و الهی می‌دانند،^۲ حکیمانانه بوده است که توجه به آن در حوزه آموزش و تحقیق در قرآن بسیار راهگشاست؛ یعنی با در نظر گرفتن تفاوت اسلوب بیانی قرآن - که از آغاز تدوین علوم قرآنی در علم مکی و مدنی به آن پرداخته می‌شود - نوع انتخاب و اینکه تعلیم قرآن از کدام قسمت قرآن آغاز شود، در اجرای شیوه آموزش و دریافت بهره‌های

۱. ابوعمرو دانی، *البیان فی عدای القرآن*، ص ۸۰ و بنگرید به: *مقدمة المبانی*، ص ۱۶ و ۲۴۶؛ طبرسی، *مقدمه*

مقدمه مجمع البیان، فن اول؛ ابن جوزی، *فنون الافنان فی عیون علوم القرآن*، ص ۲۳۹.

۲. بنگرید به: *المبانی فی نظم المعانی*، ص ۳۹-۵۸؛ سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۹ و ج ۲،

ص ۹۷۷؛ *نهایندی، نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۶؛ حسینی شیرازی، *الفقه حول القرآن*

الحکیم، ص ۴۵ و ۵۱.

آموزشی و تربیتی بسیار تأثیرگذار است.

مسئله تقسیم قرآن به هفت حزب آن قدر معمول بوده و رواج داشته که دیگر نیازی به بررسی علمی و سندی آن احساس نمی‌شده و نزد قدما به عنوان امری متواتر و مسلم تلقی می‌شده است.^۱ از این رو، در منابع علوم قرآنی مباحث مفصلی درباره آن یافت نمی‌شود. با این حال، کتابت و قرائت قرآن بر اساس احزاب یا اجزاء هفت‌گانه که نسخه‌های خطی آن را می‌توان در موزه‌ها و گنجینه‌های قرآن دید، مؤید این مسئله مهم و اساسی است.^۲

دلایل تقسیم قرآن به هفت حزب

گرچه اغلب مسلمانان با تقسیم قرآن به سی جزء و شصت یا یکصد و بیست حزب - که از تقسیم هر جزء به دو یا چهار قسمت به وجود می‌آیند - آشنا هستند، ولی بر پایه آموزه‌های سیره نبوی، قرآن به هفت حزب تقسیم می‌شود.

* اوس بن حذیفه ثقفی می‌گوید: به همراه وفد (هیئت نمایندگی) قبیله ثقیف در رمضان سال نهم هجری بر رسول خدا وارد شدیم.^۳ آن حضرت ما را در گوشه‌ای از مسجد (التبی) مستقر کرد تا قرآن را بشنویم و مردم را به هنگام خواندن نماز ببینیم.^۴ رسول خدا هر شب بعد از نماز عشاء به دیدن ما می‌آمد و ضمن گفت و گو، قرآن و فرایض را به ما تعلیم می‌داد. یک شب، آن حضرت کمی دیرتر از وقت همیشه به دیدن ما آمد، علت را جویا شدیم، فرمود: حزبی از قرآن در خاطرم گذشت، دوست داشتم آن را کامل کنم و سپس به سوی شما بیایم. از اصحاب رسول خدا پرسیدیم که پیامبر اکرم، قرآن را

۱. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۱، ص ۸۵؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۷۶؛ فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۲۳؛ ابن تیمیّه، دقائق التفسیر، ج ۱، ص ۲۵؛ کیوان قزوینی، تفسیر کیوان، ج ۱، ص ۷۲۵-۷۲۶.

۲. شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی (منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هجری قمری)، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۲۲۲؛ الرشید، المتحف فی احکام المصحف، ج ۱، ص ۷۵.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۸۰.

۴. ابن شبنه، تاریخ المدینة المنوره، ج ۲، ص ۵۰۲.

چگونه حزب بندی می کند؟ آنان گفتند: «كَانَ يُحَرِّبُهُ ثَلَاثًا وَخَمْسًا وَسَبْعًا وَتِسْعًا وَإِحْدَى عَشْرَةَ وَثَلَاثَ عَشْرَةَ وَحِزْبُ الْمُفْضَلِ».^۱

در برخی روایات، توضیحاتی در ادامه روایت فوق به این ترتیب آمده است: «أولُه «قاف»،^۲ «مِن قاف حتى يختم»،^۳ «وَمَا بَيْنَ قَأْ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ إِلَى آخِرِ الْمُفْضَلِ حِزْبٌ حَسَنٌ»؛^۴ یعنی پیامبر اکرم قرآن را به هفت حزب زیر تقسیم کرده و آن را به اصحاب آموزش داده‌اند: سه سوره اول (بقره، آل عمران و نساء)، حزب اول؛ پنج سوره بعدی، حزب دوم؛ هفت سوره بعدی، حزب سوم؛ نه سوره بعدی، حزب چهارم؛ یازده سوره بعدی، حزب پنجم؛ سیزده سوره بعدی، حزب ششم و «حزب مفضل» از سوره «قاف» تا «ناس» (شامل ۶۵ سوره) حزب هفتم قرآن است.^۵

مجموع این سوره‌ها ۱۱۳ سوره است که با احتساب فاتحه کتاب، ۱۱۴ سوره می‌شود. با توجه به جایگاه خاص سوره فاتحه کتاب^۶ به عنوان «امّ القرآن» و «امّ الكتاب»^۷ این

۱. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۵۹۹. نیز بنگرید به: مسند طرابلسی، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۱۲۰۴؛ ابو عبید، فضائل القرآن، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ سنن ابوداود، ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۳۹۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲۷، ح ۱۳۴۵؛ فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ۲/۲۲۳.

۲. ابن شبنه، تاریخ المدينة المنوره، ج ۲، ص ۵۰۹.

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۲۶، ص ۸۹، ح ۱۶۱۶۶.

۴. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۷، ص ۴۱، ح ۸۷.

۵. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۳۵.

۶. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اعطيت فاتحة الكتاب من تحت العرش والمفضل نافلة» (المستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۵۹). امیر مؤمنان حضرت علی عليه السلام فرموده‌اند: «سمعتُ رسول الله ﷺ يقول: إنَّ الله عزَّ وجلَّ قال لي: يا محمد «ولقد آتيناك سبعا من المثاني والقرآن العظيم» فأفرد الامتنان عليَّ بفاتحة الكتاب وجعلها بازاء القرآن العظيم وإنَّ فاتحة الكتاب اشرف ما في كنوز العرش وإنَّ الله عزَّ وجلَّ خصَّ محمداً وشرفه بها ولم يشرك معه فيها احداً من انبيائه» (ابن بابويه، عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۰۹).

۷. سنن دارمی، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۳۳۷۴.

سوره خارج از حزب های قرآن قرار گرفته است. عنوان فاتحة الكتاب نیز نشان دهندۀ مجموعه منسجم و هماهنگ قرآن است که آغازش با این سوره است. در روایت مزبور، به نام سوره‌ها به صورت کامل اشاره نشده است، علت آن را می‌توان در بی‌نیازی راویان از ذکر آنها دانست؛^۱ زیرا اولاً، اغلب مسلمانان این ترتیب را به تواتر می‌دانستند و ثانیاً؛ چگونگی قرار گرفتن سوره‌ها در متن مکتوب قرآن (مصحف)، خود بهترین روایت و سند کتبی بر نحوه ترتیب آنهاست. با این حال، در روایات آداب ختم قرآن، به سوره حمد و بقره به عنوان سوره‌های آغازین قرآن و سوره ناس، آخرین سوره قرآن تصریح شده است.^۲

بنابراین روایت و دلایل و قراین دیگر، تا اوایل سال نهم هجری، همه سوره‌های قصار و متوسط قرآن قبلاً نازل، تعلیم، ترویج و مدون شده بود و بیشتر آیات سوره‌های طوال نیز نازل شده بود و جایگاه آنها معلوم و مضبوط بود؛ مانند آیه اکمال دین: ﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ

۱. مطالعه روایات نشان می‌دهد که قاعده کلی نام‌گذاری سوره به این ترتیب بوده است که با نزول و ابلاغ هر سوره (یا صدر آن)، ابتدا آیه آغازین یا قسمتی از آن، نام سوره قرار می‌گرفته است و به تدریج، عین یک کلمه از کلمات آیه آغازین یا کلمه‌ای هم‌ریشه با یکی از آنها جایگزین آن می‌شد؛ مثلاً با نزول سوره انسان، ابتدا این سوره را «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ» می‌نامیدند. سپس نام آن به سوره «انسان» یا سوره «دهر» خلاصه شد. سوره‌هایی که نام مشهورشان از این قاعده کلی خارج است، در روایات نام‌های دیگری برایشان ذکر شده است که از همین اصل کلی پیروی می‌کند؛ چنان که سوره‌های فاتحة الكتاب، انبیاء و اخلاص که به این نام‌ها مشهورند، در روایات به ترتیب: «حمد»، «اقترب للناس حسابهم» و «صمد» هم نامیده شده‌اند. علامه طباطبائی (م ۱۳۶۰ ش) گرچه اسامی سوره‌ها را توقیفی نمی‌داند، ولی معتقد است بسیاری از این نام‌ها در عصر پیغمبر اکرم بر اثر کثرت استعمال تعیین پیدا کرده بودند (قرآن در اسلام، ص ۱۴۶-۱۴۷).

۲. وقرأ أبي بن كعب على النبي ﷺ وإنه كان إذا قرأ «قل أعوذ برب الناس» افتتح من الحمد ثم قرأ من البقرة إلى «وأولئك هم المفلحون» ثم دعا بدعاء الختم (ابن جزري، النشر في القراءات العشر، ج ۲، ص ۴۸۵). قرأ ابن عباس على أبي بن كعب فلما ختم ابن عباس قال استفتح بالحمد وخمس آيات من البقرة وهكذا قال لي النبي ﷺ حين ختمت عليه (همانجا).

لَكُمْ دِينَكُمْ... ﴿ (مائده / ۳) - برخی آن را آخرین آیه نازل شده قرآن می دانند^۱ - که از زمان نزول آن در حجة الوداع^۲ تا رحلت رسول خدا دست کم هفتاد روز فاصله است؛ این مدت برای کار تدوین و تنظیم نهایی سوره ها در قالب مصحف تحت تعلیم و نظارت پیامبر اکرم زمان کافی و مناسبی است. بنابراین، روایت تحزب قرآن به هفت حزب، یکی از ده ها دلیل روائی است که توقیفی بودن ترتیب سوره ها و جمع و تدوین قرآن در عهد نبوی و با تعلیم و اشراف و نظارت رسول خدا را تأیید می کند.^۳

* یعقوبی (م پس از ۲۹۲ ق) نیز گزارش کرده است که مصحف امام علی علیه السلام دارای هفت حزب بوده است.^۴

* پیامبر اکرم فرمودند: «... [حزب] مفصل، فضلی است که خداوند مرا به آن [بردیگر پیامبران و کتب آسمانی] برتری و فضیلت داده است».^۵

* حضرت علی علیه السلام بر حمد خدا و گفتن ذکر «الله اکبر» میان هر دو سوره حزب مفصل تأکید کرده اند.^۶

در مقابل تقسیم قرآن به هفت حزب که تعلیم رسول خدا و توصیه صحابه و متواتر بوده است، رواج تقسیم قرآن به سی جزء و شصت حزب و مانند آن، که ابتدا و انتهای آنها معمولاً

۱. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۹۱.

۲. واحدی، اسباب النزول، ص ۱۲۶.

۳. برای دیگر دلایل بنگرید به: زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۳۴۵ و ۳۵۴-۳۵۸؛ دروزه، تاریخ قرآن، ص ۳۵؛ نخاس، الناسخ و المنسوخ، ص ۴۷۸؛ ناصحیان، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۷۱؛ ایازی، کاوشی در تاریخ جمع قرآن: تحقیقی پیرامون توقیفیت ترتیب سوره های قرآن کریم؛ طباطبائی و رجبی قدسی، «بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف».

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹۲.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ ابو عبید، فضائل القرآن، ص ۲۲۵.

۶. ابن وهب، الجامع، ج ۳، ص ۳۷، ح ۶۲.

در وسط سوره یا اثنای قصّه است و محور و سیاق کلام ناتمام می ماند،^۱ از زمان حجّاج بن یوسف ثقفی (م ۸۵ ق) آغاز شده و گفته شده او به انجام این تقسیم امر کرده است.^۲ در گزارش دیگری آمده است، منصور دوانیقی (م ۱۵۸ ق) از عمرو بن عبید خواست که قرآن را به گونه ای تقسیم کند تا منصور بتواند طیّ یک سال و در هر روز به یک اندازه مشخص و مساوی قرآن را حفظ کند، عمرو بن عبید نیز مصحف را به ۳۶۰ قسمت مساوی تقسیم کرد و در پایان هر دوازده قسمت، خطی طلایی کشید و به این ترتیب مصحف را به سی جزء مساوی تقسیم کرد.^۳

مهم ترین کاستی تقسیم قرآن به سی جزء و شصت یا یکصد و بیست حزب، بی نظمی موضوعی است؛ یعنی معمولاً جزء و حزب در وسط داستان یا موضوع پایان می پذیرد. از این رو، قرائت کسانی که مقتید به این تقسیم هستند فاقد حُسن مَطَلَع و حُسن خِتَام است و مفاهیم قرآن بریده بریده و ناتمام ارائه می شود. از همان زمان، تابعانی همچون حسن بصری و ابن سیرین این بدعت ها را نکوهش ورد می کردند.^۴

ابوحامد غزالی و مولی محسن فیض کاشانی به عنوان دو عالم بزرگ و تأثیرگذار سنی و شیعی، تقسیم قرآن به هفت حزب را توقیفی و با تعلیم پیامبر اکرم دانسته اند که صحابه از آن پیروی می کردند، و در مقابل، جزء بندی و دیگر تقسیمات قرآن را «مُحَدَث» و فاقد پشتوانه می دانند.^۵ جالب توجه اینکه مرحوم فیض کاشانی که در اغلب موارد سخن غزالی را به نقد می گیرد یا تکمله ای بر آن می افزاید، در ذیل مسئله تقسیم قرآن به هفت حزب، عیناً سخن غزالی را بدون کم و کاست یا افزوده ای آورده است.

ابوطالب مکی (م ۳۸۶ ق) تسبیح قرآن به هفت حزب و قرائت و تلاوت مرتّب آنها را

۱. دقائق التفسیر، ج ۱، ص ۲۴-۳۱؛ علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۱، ص ۸۵.

۳. سخاوی، جمال القراء و کمال الاقراء، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۷۹.

۴. ابوطالب مکی، قوت القلوب، ج ۱، ص ۸۵.

۵. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۷۶؛ فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۲۳.

«سنت» می‌داند. به باور وی، این تقسیم، با ترتیبی استوار و باقوام، بیشترین هماهنگی را با قلب دارد، و نزدیک‌ترین و درست‌ترین مسیر فهم قرآن است.^۱

«حزب مَفْصَل»، «باب» و «لُبَاب» قرآن کریم

مسلمانان در مکه پا به پای تنزیل قرآن و نزول تدریجی، آیات و سوره‌های قرآن را به فراخور حال خود فرا می‌گرفتند. با ورود مسلمانان به مدینه و افزایش تعداد سوره‌ها، پیامبر اکرم برای آموزش منظم و اصولی قرآن کریم، به معلّمان و مُقریان تعلیم دادند که آموزش قرآن به نوآموزان و نومسلمانان را از سوره‌های کوتاه آغازین «حزب مَفْصَل» شروع کنند.

* براء بن عازب می‌گوید: «مصعب بن عمیر و ابن امّ مکتوم، نخستین معلّمان قرآنی بودند که وارد مدینه شدند و قرآن را به مردم تعلیم می‌دادند و من قبل از ورود پیامبر اکرم به مدینه، سوره اعلی و برخی دیگر از سوره‌های حزب مَفْصَل را فرا گرفته بودم و قرائت می‌کردم».^۲

* ابن عباس گوید: «هنگام وفات پیامبر اکرم در حالی که پانزده^۳ یا ده ساله بودم، حزب مَفْصَل را آموخته و آن را قرائت می‌کردم».^۴ یعنی با اینکه ابن عباس در مدینه شاهد نزول آیات و سوره‌های مدنی مانند بقره بوده است^۵، ولی ابتدا به او حزب مَفْصَل را آموزش داده‌اند.

* ابن مسعود گفته است: «نَزَلَ الْمَفْصَلُ بِمَكَّةَ، فَمَكَّنَّا حَجَجًا نَقْرُوهُ»؛^۶ یا «قَرَأْنَا

۱. ابوطالب، مکی، قوت القلوب، ج ۱، ص ۸۴.

۲. مسند طیالسی، ج ۲، ص ۸۰، ح ۷۳۹؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۶۶، ح ۳۹۲۵.

۳. مسند طیالسی، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۲۷۶۲.

۴. مسند طیالسی، ج ۴، ص ۳۶۴، ح ۲۷۶۱؛ صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۹۳، ح ۵۰۳۵ و ۵۰۳۶.

۵. مهاجرت عباس بن عبدالمطلب پدر عبدالله بن عباس به مدینه متفاوت گزارش شده است؛ پس از جنگ بدر، در ایام جنگ خندق، پس از فتح خیبر و اندکی قبل از فتح مکه (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۲-۱۳).

۶. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۵۸، ح ۶۳۴۴.

الْمُفْصَّلَ حِجَابًا وَنَحْنُ بِمَكَّةَ؛^۱ یعنی سوره‌های حزب مفصل در عهد مکی نازل شد و ما این سوره‌ها را به تدریج فرامی‌گرفتیم و اقرار و قرائت می‌کردیم.

بنابراین نزول و آموزش قرآن با سوره‌های حزب مفصل آغاز شد^۲ و چون این حزب به تدریج کامل گشت، درباره سوره آغازین و تعداد سوره‌های آن اختلاف شده است.^۳ زرکشی دوازده قول درباره تعیین سوره ابتدای این حزب در ترتیب تلاوت نقل می‌کند و در پایان می‌گوید: «والصحيح عند أهل الأثران أوله قاف»؛^۴ یعنی مطابق قول صحیح که نزد راویان است، نخستین سوره این حزب در ترتیب جاودانه مصحف شریف، سوره «قاف» و آخرین آن بالاجماع، سوره «ناس» است. ولی در سیر حکیمانانه آموزش، سوره «ناس» اولین سوره^۵ و سوره «ق» آخرین سوره حزب مفصل است که مجموعاً ۶۵ سوره را شامل می‌شود. می‌شود.

با توجه به خصایص آیات و سوره‌های حزب مفصل، پیامبر اکرم در تبیین جایگاه این حزب می‌فرماید: «انَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا [وَأَنَّ سَنَامَ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةَ] وَأَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَقَلْبُ الْقُرْآنِ «يس» وَأَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ بَابًا وَبَابُ الْقُرْآنِ الْمَفْصَّلِ»^۶ و از ابن مسعود مرفوعاً روایت شده است: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا، وَسَنَامُ الْقُرْآنِ الْبَقْرَةُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ لِبَابٌ وَلِبَابُ الْقُرْآنِ الْمَفْصَّلُ»؛^۷ یعنی هر چیزی نقطه اوج و بلندایی دارد و سوره بقره بلندای قرآن است؛ هر چیزی باب (مسیر ورود) و لبابی (خلاصه و چکیده‌ای) دارد و سوره‌های حزب مفصل، مسیر ورود به قرآن و چکیده و مغز آن است.

۱. ابن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۶، ص ۱۴۰، ح ۳۰۱۴۳.
۲. عایشه گوید: «أما نزل أول ما انزل منه سورة من المفصل، فيها ذكر الجنة والنار حتى اذا ثاب الناس الى الى الاسلام، نزل الحلال والحرام...» (صحيح بخاری، ج ۶، ص ۱۸۵، ح ۴۹۹۳).
۳. بنگرید به: کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۰۱؛ عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۵.
۴. زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۳۴۴.
۵. بنگرید به: شریعتی، تفسیر نوین، ص ۴۲۷.
۶. شیبانی، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، ج ۱، ص ۲۳.
۷. ابن وهب، الجامع، ج ۳، ص ۲۰، ح ۲۶.

حزب مفصل، «لباب» قرآن است؛ یعنی آیات و سوره‌های آن در شش حزب دیگر قرآن تفصیل یافته، و «باب» قرآن است؛ یعنی مسیر درست آموزش و تعلیم، و تحقیق و تفسیر قرآن از این قسمت از قرآن آغاز می‌شود. بنابراین شروع آموزش و تحقیق از سوره «بقره» به عنوان «سنام قرآن» صحیح و اصولی نیست، بلکه ابتدا باید از «باب» و «لباب» قرآن؛ یعنی حزب مفصل از سوره «ناس» آغاز و به سوره بقره ختم کرد.

آیه الله طالقانی (م ۱۳۵۹ ش) بر این باور است: «سوره‌ها و آیاتی که در زمان‌های بعد از سال‌های آغاز وحی نازل شده است، در واقع تفصیل و تکمیل و بسط سوره‌های کوتاه سابق بر آن می‌باشد، از این جهت، آشنا شدن و فهمیدن مقاصد سوره‌های کوچک چون مفتاح برای گشوده شدن درهای حقایق قرآن و ورود به سرای وسیع آن است»^۱.

بنابراین می‌توان گفت، قرآن دارای دو ترتیب است: یک ترتیب قرآن برای ارائه آن به عنوان کتاب است که از سوره حمد و بقره آغاز و به ناس ختم می‌شود؛ ترتیب دوم یک ترتیب آموزشی- پژوهشی و کاربردی است، که از سوره ناس آغاز و به حمد ختم می‌گردد. ترتیب دوم را می‌توان با اندکی تسامح، همان ترتیب نزول تدریجی قرآن در طول ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم دانست که با اندکی ویرایش (جابه‌جایی سوره‌ها) از سوی خدا و رسول او تعلیم، تثبیت و جاودانه شده است؛ مثلاً برخی سوره‌ها مانند «جمعه»، «تحریم»، «طلاق (نساء قصری)»، «ممتحنه» و «مجادله» که در مدینه نازل شده‌اند، در کنار سور مکی و در حزب مفصل در جایگاه اصلی خود قرار گرفتند.^۳ جایگاه مبتدی (نوآموز) در هر عرصه‌ای در ارتباط با قرآن، اعم از یادگیری، تحقیق، تفسیر و کتابت قرآن، با آخرین سوره قرآن، سوره ناس تعریف می‌شود؛ و یک منتهی (قرآن آموخته) که به سوره

۱. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۳ و ۴، مقدمه.

۲. ابوعبید، فضائل القرآن، ص ۲۷۶.

۳. البته به رغم شهرت مدنی بودن برخی سوره‌ها مانند نصر، این سوره‌ها مکی هستند و برعکس سوره‌هایی مانند اسراء و انعام، مدنی‌اند نه مکی (لسانی فشارکی، «اسراء»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸؛ «انعام»، ج ۱۰).

بقره رسید، می‌تواند از ترتیب اول به آخر نیز در حوزه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی بهره‌مند گردد.^۱

شروع نزول و آموزش قرآن از سوره‌های کوتاه و کم حجم حزب مفصل با آیات کوتاه و مشابه و دارای نظام‌هنگ خاص و نیز مقارنت و همراهی این سوره‌ها با اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازها و مسائل زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، ویژگی خاصی به این قسمت از قرآن بخشیده است که مسیر آموزش و تحقیق در آن را تسهیل می‌کند،^۲ به طوری که قرآن‌آموزان از این که می‌توانند در نخستین مراحل آموزش، تعداد سوره‌های بیشتری را به آسانی و به خوبی فرا بگیرند، احساس موفقیت و پیشرفت بزرگی خواهند داشت و از اینکه می‌توانند آموخته‌های خود را به آسانی در همه جا و همه وقت به کار ببرند، احساس رضایت و شور و شغف می‌کنند. همین امر، انگیزه درونی و نیاز آنان را در فراگیری دیگر سوره‌های قرآن که به صورت زنجیره‌ای و تصریفی، تفصیل یافته حزب مفصل اند^۳ برمی‌انگیزد.

صحابه رسول خدا نیز بر شروع آموزش قرآن از حزب مفصل تأکید داشتند.^۴ فرهنگ‌های کهن لغات قرآن به زبان فارسی - مانند لسان‌التزیل؛ الدرر فی الترجمان، تألیف محمد بن منصور متحّم مروزی؛ تراجم الأعاجم که در نسخه مؤرخ ۶۶۸ ق مؤلف آن ابوالمعالی احمد بن محمد غزنوی معرفی شده است؛ خلاصه جواهر القرآن، تألیف اسحاق بن تاج‌الدین ملتانی (م ۷۳۶ ق)؛ ترجمان القرآن، تألیف میرسید شریف

۱. لسانی فشارکی، کارگاه آموزشی - پژوهشی تفسیر ترتیبی قرآن کریم (۱)، دارالقرآن سپاه ناحیه کرج، ۱۳۹۲ ش.

۲. زرکشی نیز در بیان حکمت‌های تقسیم قرآن به سوره‌ها به این حکمت اشاره می‌کند که شروع آموزش تدریجی از سور قصار، تیسیری است از جانب خداوند متعال که برای فراگیری و حمل آسان قرآن برای بندگانش در نظر گرفته شده است (البرهان، ج ۱، ص ۳۶۲).

۳. طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۳ و ۴، مقدمه. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «هو [قرآن] کلام متصل متصرف علی وجوه» (برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰).

۴. بنگرید به: ابن وهب، الجامع، ج ۳، ص ۱۴، ح ۱۷؛ صنعانی، المصنف، ج ۳، ص ۳۸۱، ح ۶۰۳۰.

جرجانی (م ۸۱۶ ق) - معنای واژگان قرآن را پس از سوره فاتحة الكتاب، از سوره ناس تا بقره تدوین کرده‌اند.^۱

دو مفسر مصری، یعنی جلال الدین محلی (م ۸۶۴ ق) و جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) نیز تفسیر الجلالین را پس از سوره حمد، از ناس تا بقره سامان داده‌اند. با این ترتیب که جلال الدین محلی پس از حمد، سوره ناس تا کهف را تفسیر کرده و پس از رحلت او، جلال الدین سیوطی تفسیر را از سوره اسراء تا بقره ادامه داده و تکمیل کرده است. با در نظر داشتن آنکه چنین کتاب‌هایی معمولاً برای عموم مردم نوشته می‌شده است،^۲ می‌توان این نمونه‌ها را تأییدی بر تداوم سنت آموزش قرآن از حزب مفصل، دست‌کم تا سده نهم هجری دانست.

توجه به قرائت سوره‌های حزب مفصل در نماز

* عبدالله بن شفیق از عایشه پرسید: آیا رسول خدا در هر رکعت يك سوره کامل قرائت می‌کرد؟ عایشه در پاسخ به او گفت: «المفصل»؛ یعنی پیامبریکی از سوره‌های حزب مفصل را کامل قرائت می‌کرد.^۳

* عمرو بن شعیب نیز از پدرش و او از جدش روایت می‌کند که گفت: پیامبر اکرم به تناوب هر يك از سوره‌های حزب مفصل را در نمازهای جماعت قرائت می‌کرد.^۴

* ابوسعید خدری می‌گوید: معمولاً رسول خدا در نماز صبح از سوره‌های آغازین حزب مفصل قرائت می‌کردند، ولی يك روز از سوره‌های قصار مفصل را خواندند؛ علت را جویا شدند؛ فرمودند: صدای گریه کودکی را شنیدم، خواستم مادرش زودتر از نماز فارغ شود و به او رسیدگی کند.^۵

۱. بنگرید به: غزنوی، تراجم الاعاجم، ص یک تا پنج.

۲. لسانی فشارکی، «بقره»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۳۸۷.

۳. سنن ابوداود، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۹۵۶.

۴. همان، ص ۲۱۵، ح ۸۱۴.

۵. ابن ابی داود، المصاحف، ص ۱۷۲.

* عمر بن خطاب به ابوموسی اشعری نوشت: «أَنْ أَقْرَأُ فِي الْمَغْرِبِ بِقِصَارِ الْمُفْصَلِ، وَفِي الْعِشَاءِ بِوَسْطِ الْمُفْصَلِ، وَفِي الصُّبْحِ بِطَوَالِ الْمُفْصَلِ»؛^۱ در نماز مغرب، سوره‌های کوتاه حزب مفصل، در عشاء سوره‌های متوسط و در صبح سوره‌های طولانی آن را بخوان.

* امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: ایرادی وارد نیست که انسان در نماز صبح، سوره‌های طووال حزب مفصل، در نماز ظهر و عشاء آخر، اوساط حزب مفصل و در نماز عصر و مغرب سُورِ قِصَارِ آن را قرائت کند.^۲

بنابراینچه گذشت، توجه به تقسیم قرآن به هفت حزب و آغاز آموزش،^۳ تحقیق،^۴ تفسیر^۵ و حفظ قرآن از حزب مفصل نقشی بسزا و بی‌بدیل در گسترش فرهنگ قرآنی در جوامع اسلامی دارد، ولی سوگمندانۀ غفلت و بی‌توجهی از این تعلیم اسوه‌حسنه رسول خدا آسیب‌های فراوانی را در حوزه آموزش و ترویج و فهم و تفسیر قرآن در پی داشته که قابل بررسی و دقت است.^۶

در عصر حاضر سنت حسنۀ تقسیم قرآن به هفت حزب را کاتبان و ناشران قرآن در شبه قازۀ هند ادامه می‌دهند، به این ترتیب که آنان هر حزب را یک «منزل» نام‌گذاری کرده و در بالا یا پایین هر صفحه قرآن مشخص کرده‌اند که مثلاً آیات آغازین سوره بقره متعلق به منزل یک، و آخرین صفحه مشتمل بر سوره فلق و ناس، در منزل هفت است.

۱. صنعانی، المصنّف، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۲۶۷۲.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۰۷، ح ۲/۴۵۰۴ و بنگرید به: طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۲؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۸۷.

۳. بنگرید به: لسانی فشارکی و غفّاری، آموزش زبان قرآن؛ رجبی قدسی و همکاران، آموزش قرآن در سیره نبوی.

۴. بنگرید به: لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم.

۵. بنگرید به: لسانی فشارکی، ۵۵ کارگاه تفسیرترین قرآن (از سوره ناس تا علق)، دارالقرآن سپاه ناحیه کرج، ۱۳۹۲ ش.

۶. بنگرید به: لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی.

در گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی نیز چندین قرآن که براساس تقسیم قرآن به هفت حزب کتابت شده‌اند، موجود است از جمله قرآن شماره ۲۲۶۱ که تاج‌الدین احمد بن محمد بن علی راوندی آن را در سال ۵۸۶ ق به شیوه نسخ کهن کتابت کرده است، به هفت حزب تقسیم شده و در صفحه نخست با آغاز کتابت سوره بقره در محاذی آن اصطلاح «[السابع الاول]» (یک هفتم نخست)، و در زیر صفحه دوم «وهی اول السبع الاول» (سوره بقره نخستین سوره یک هفتم اول قرآن) نوشته شده است^۱ (نک: تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: صفحه

دوم قرآن شماره

۲۲۶۱.

همچنین به قرآن

شماره ۶۱ می‌توان

اشاره کرد که عایشه

الحولا فرزند عبدالله

بن عبدالرحمن تاجر

در ربیع الثانی سال

۵۵۴ ق، «السبع

الثانی» (حزب دوم)

آن را وقف مشهد

مقدس امام ابوالحسن

علی بن موسی

۱. شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی (منتخب فرانهای نفیس از اعجاز تا سده نهم هجری قمری)، ج ۱،

ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۱.

الرضا علیه السلام کرده است.^۱ (نک: تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: وقف نامه قرآن شماره ۶۱.

۱. شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی (منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هجری قمری)،

ج ۱، ص ۸۰ و ۲۲۲.

١. **قرآن مجید** (خط حبیب اللہ فضائلی، ترجمہ عبدالمحمد آیتی، سروش، تهران، ۱۳۷۴ ش).
٢. ابن ابی داود (م ۳۱۶ ق)، عبد اللہ، **المصاحف**، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
٣. ابن ابی شیبہ کوفی (م ۲۳۵ ق)، عبد اللہ بن محمد، **المصنّف فی الأحادیث والآثار**، تحقیق کمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد، الرياض، ۱۴۰۹ ق.
٤. ابن تیمیہ (م ۷۲۸ ق)، احمد، **دقائق التفسیر**، به كوشش محمد بن سید جلیند، دار الانصار، قاهره.
٥. ابن جوزی (م ۸۳۳ ق)، ابوالخیر محمد بن محمد، **النشر فی القراءات العشر**، تصحیح علی محمد الضباع، دارالکتب العلمیہ، بیروت.
٦. ابن جوزی (م ۵۹۷ ق)، عبدالرحمان، **فنون الافنان فی عیون علوم القرآن**، به كوشش حسن ضیاء الدین عتر، دارالبشائر الاسلامیہ، بیروت، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م.
٧. ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، احمد، **مسند الامام احمد بن حنبل**، تحقیق شعیب الأرئوط، عادل مرشد و آخرون، إشراف عبد اللہ بن عبدالمحسن التركي، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۰۱ م.
٨. ابن سعد (م ۲۳۰ ق) محمد، **الطبقات الكبرى**، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م.
٩. ابن شَبَّه (م ۲۶۲ ق)، عمر، **تاریخ المدينة المنورة**، تحقیق فہیم محمد شلتوت.
١٠. ابن کثیر (م ۷۷۴ ق)، اسماعیل، **تفسیر القرآن العظیم**، دارالمعرفہ، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
١١. ابن ماجہ (م ۲۷۳ ق)، محمد بن یزید، **سنن**، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، داراحیاء الکتب العربیہ، ۱۳۷۲ ق.
١٢. ابن وهب (م ۱۹۷ ق)، عبد اللہ، **الجامع**، بروایة سحنون بن سعید (م ۲۴۰ ق)، به كوشش میکلوش مورانى، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۲۰۰۳ م.
١٣. ابن هشام (م ۲۱۳ ق)، عبد الملک، **السيرة النبویة**، به كوشش عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
١٤. ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ ق)، سلیمان بن اشعث، **سنن**، به كوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، داراحیاء السنة النبویة.
١٥. ابوطالب مکی (م ۳۸۶ ق)، محمد بن علی بن عطیہ، **قوت القلوب فی معاملة المحبوب ووصف طریق المرید إلى مقام التوحید**، تحقیق عاصم إبراهيم الكیالی، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۵ م.

۱۶. ابو عبید قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴ ق)، *فضائل القرآن*، تحقیق مروان العطیة، محسن خرابه و وفاء تقی الدین، دار ابن کثیر، دمشق- بیروت، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۱۷. ابو عمرو دانی (م ۴۴۴ ق)، عثمان بن سعید، *البيان في عدآی القرآن*، تحقیق غانم قدوری الحمد، مرکز المخطوطات والتراث، کویت، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۱۸. ایازی، سید محمد علی، *کاوشی در تاریخ جمع قرآن، تحقیقی پیرامون توقیفیت ترتیب سوره های قرآن کریم*، انتشارات کتاب مبین، رشت، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. بخاری (م ۲۵۶ ق)، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری = الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله (ص) و سننه و آیامه*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي)، ۱۴۲۲ ق.
۲۰. بروقی (م ۲۷۴ ق)، احمد بن محمد، *المحاسن*، به کوشش سید جلال الدین حسینی، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. حاکم نيسابوری (م ۴۰۵ ق)، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م.
۲۲. حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ ق)، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، به کوشش عبدالرحیم ربّانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۲۳. دارمی (م ۲۵۵ ق)، عبدالله بن عبدالرحمان، *سنن*، به کوشش سید ابراهیم و علی محمّد علی، دارالحديث، قاهره، ۱۴۲۰ ق / ۲۰۰۰ م.
۲۴. دروزه (م ۱۴۰۴ ق)، محمد عزة، *تاریخ قرآن (درسنامه، پژوهشنامه، نظریه پردازی) به ضمیمه روش شناسی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی*، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، دفتر انتشارات زینی، قم، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. رجیبی قدسی، محسن و مهدی غفّاری و حسین مرادی، *آموزش قرآن در سیره نبوی*، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۹۱ ش.
۲۶. الرشید، صالح بن محمد، *المتحف فی احکام المصحف*، الریان، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۲۷. زرکشی (م ۷۹۴ ق)، بدرالدین، *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش یوسف عبدالرحمان مرعشلی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۴ م.
۲۸. سخاوی (م ۶۴۳ ق)، علی بن محمد، *جمال القراء و کمال الاقراء*، به کوشش عبدالکرم الزبیدی، دارالبلاغه، بیروت، ۱۹۹۳ م.
۲۹. سیوطی (م ۹۱۱ ق)، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق مصطفی دیب البغاء، دار ابن کثیر، دمشق- بیروت، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م.
۳۰. *شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی (منتخب قرآنهاي نفیس از آغاز تا سده نهم هجری قمری، جلد ۱)*، به کوشش مؤسسه آفرینشهای هنری و سازمان کتابخانه ها، موزه و مرکز

- اسناد آستان قدس رضوی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۱ ش.
۳۱. شریعتی (م ۱۳۶۶ ش)، محمدتقی، *تفسیر نوین*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳۲. شیبانی، محمد بن حسن (م ۱۸۹ ق)، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، به کوشش حسین درگاهی، بنیاد دائرة المعارف جهان اسلام، تهران، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (م ۳۸۱ ق)، *عیون اخبار الرضا*، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طالقانی (م ۱۳۵۹ ش)، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، قسمت ۳ و ۴ (جزء سی ام)، شرکت سهامی انتشار.
۳۵. طباطبائی، سید کاظم و محسن رجبی قدسی، «بازخوانی روایات جمع قرآن بر پایه حدیث نزول قرآن بر هفت حرف»، *مطالعات قرآنی و روایی*، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش.
۳۶. طباطبائی (م ۱۳۶۰ ش)، سید محمد حسین، *قرآن در اسلام*، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۳۷. طبرانی (م ۳۶۰ ق)، سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، دار الحرمین، قاهره.
۳۸. ———، *المعجم الكبير*، تحقیق ابراهیم حسینی، دار الحرمین.
۳۹. طبرسی (م ۵۴۸ ق)، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۴۰. طوسی (م ۴۶۰ ق)، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام (فی شرح المقنعه)*، به کوشش علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۶ ش / ۱۴۱۷ ق.
۴۱. طیالسی (م ۲۰۴ ق)، سلیمان بن داود بن جارود، *مسند*، تحقیق محمد بن عبدالمحسن التركي، دار هجر، مصر، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م.
۴۲. *علوم القرآن عند المفسرین*، مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ ق.
۴۳. عیاشی (م ۳۲۰ ق)، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، المکتبة العلمية الاسلامیه، تهران.
۴۴. غزالی (م ۵۰۵ ق)، ابوحامد محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، دار المعرفه، بیروت.
۴۵. غزنوی، ابوالمعالی احمد بن محمد، *تراجم الاعاجم*، به اهتمام مسعود قاسمی و محمود مدبری، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۴۶. فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق)، محمد بن مرتضی، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، به کوشش علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۴۷. کلینی (م ۳۲۹ ق)، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۴۸. کیوان قزوینی (۱۳۱۷ ش)، عباسعلی، *تفسیر کیوان*، سایه، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴۹. لسانی فشارکی، محمدعلی، «بقره»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۵۰. _____ و حسین مرادی زنجانی، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱ ش.
۵۱. _____، *درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره نبوی*، نصاب، قم، ۱۳۹۲ ش.
۵۲. _____ و مهدی غفاری، *آموزش زبان قرآن (ویراست سوم)*، دفتر انتشارات زینتی، قم، ۱۳۹۰ ش.
۵۳. *المبانی فی نظم المعانی*، تصحیح آرتور جفری، چاپ شده در کتاب: *مقدمتان فی علوم القرآن*، مکتبه الخانجی، ۱۹۵۴ م.
۵۴. ناصحیان، علی اصغر، *علوم قرآنی در مکتب اهل بیت علیهم السلام*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ۱۳۸۹ ش.
۵۵. نحاس (م ۳۳۸ ق)، احمد بن محمد، *الناسخ والمنسوخ*، تحقیق محمد عبدالسلام محمد، مکتبه الفلاح، کویت، ۱۴۰۸ ق.
۵۶. نوری طبرسی (م ۱۳۲۰ ق)، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۷ ق.
۵۷. نهاوندی (م ۱۳۳۱ ش)، محمد، *نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن و تبیین الفرقان*، مطبعه علمی، تهران.
۵۸. واحدی (م ۴۶۸ ق)، علی بن احمد، *اسباب النزول*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.
۵۹. یعقوبی (م. پس از ۲۹۲ ق)، احمد، *تاریخ الیعقوبی*، به کوشش خلیل المنصور، دارالزهراء، قم، ۱۳۸۷ ش / ۱۴۲۹ ق.

